

تأثیر آموزش مستقیم بر درک مفهومی لغت در دانش‌آموزان ناشنوا

حسن غلامحسین زاده / کارشناس ارشد روان‌شناسی / مشاور مجتمع شبانه روزی ناشنوایان احیاء کرمان
منصور سلیمانی / کارشناس ارشد روان‌شناسی / دبیر مرکز پیش حرفه‌ای اندیشه خدابنده

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر روش آموزش مستقیم بر درک مفهومی لغت در دانش‌آموزان ناشنوا و ماندگاری اثر این آموزش، انجام گرفت. در راستای هدف فوق ۲۴ نفر از دانش‌آموزان پسر ناشنوای سال اول و دوم راهنمایی مجتمع آموزشی احیای کرمان که در سال تحصیلی ۱۳۸۸-۸۹ مشغول به تحصیل بودند، به صورت نمونه در دسترس انتخاب شدند؛ آنها به صورت تصادفی ساده به دو گروه آزمایشی و کنترل تقسیم شدند. در مرحله بعد پیش‌آزمون درک مفهوم لغت بر روی دو گروه اجرا شد. سپس گروه آزمایشی به مدت ۱۰ جلسه ۴۵ دقیقه‌ای تحت آموزش مستقیم قرار گرفت. در این زمان گروه کنترل آموزشی را دریافت نمی‌کرد. سپس پس‌آزمون درک مفهوم لغت بر روی دو گروه اجرا شد و بعد از ۲۰ روز آزمون پیگیری انجام گردید. نتایج بر اساس روش آماری تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر نشان داد، آموزش مستقیم عملکرد درک مفهومی لغت در دانش‌آموزان ناشنوایی که از روش آموزش مستقیم بهره‌مند بودند (گروه آزمایشی) نسبت به دانش‌آموزانی که از این روش آموزشی برخوردار نبودند (گروه کنترل) را افزایش داده است. همچنین ماندگاری اثر روش آموزشی در گروه آزمایشی تأیید شد. بنابراین با استفاده از روش آموزش مستقیم می‌توان درک مفهومی لغت در دانش‌آموزان ناشنوا را تقویت کرد.

مقدمه

حس شنوایی برای اکتساب طبیعی زبان ضروری است و نقص شنوایی باعث اختلال در فراگیری مهارت-های زبانی می‌شود. کودکان ناشنوا در ترکیب حروف، حافظه و توالی شنیداری، خواندن و درک مفاهیم دچار مشکلاتی هستند (نورتن^۳ و همکاران، ۲۰۰۲) و در تدوین برنامه آموزشی باید به نیازها و ویژگی‌های دانش‌آموزان ناشنوا توجه نمود.

همان‌طور که ذکر شد یکی از ویژگی‌های بارز دانش‌آموزان ناشنوا کمی دامنه لغت و ضعف درک مفهومی آن است که این مساله در جمله‌بندی نوشتاری بیشتر محسوس است. سواد خواندن^۴ و عملکرد درک متون ادبی در دانش‌آموزان ناشنوا در مقایسه با دانش-آموزان شنوا به طور معنی‌دار پایین‌تر می‌باشد

درک مفهومی دانش‌آموزان ناشنوا از بسیاری از لغات ضعیف است، آن‌ها بسیاری از کلمات را به صورت یک شکل کلی، نه مجموعه‌ای از حروف تلقی می‌کنند و معنی و مفهوم بسیاری از کلمه‌ها را نمی‌دانند. (اکانور^۱ و همکاران، ۱۹۹۶). دانش‌آموزان ناشنوا بسیاری از لغت‌ها را از طریق زبان اشاره بیان می‌کنند، اما در مکتوب کردن لغات بیان شده، مشکل دارند. همچنین بسیاری از لغت‌ها را از طریق زبان اشاره بیان می‌کنند که درکی از معنا و مفهوم آن ندارند. مهارت اشاره کردن به معنای درک مفهوم آن نیست، بلکه درک مفاهیم لغات مستلزم آموزش مناسب می‌باشد (گلدین میداو^۲ و همکاران، ۲۰۰۱).

گفتار تکامل یابد، شناخت و درک لغت برای آنها راحت تر می شود. دانش آموزان ناشنوا در فهم لغت هایی که با لهجه بیان می شوند و یا دو معنی متفاوت دارند، مشکل دارند، در حالی که عموماً دانش آموزان شنوا در کاربرد معانی مختلف مشکلی ندارند. آنها در مرتبط کردن و معنی دار کردن مطالب فراگرفته شده مشکل دارند. همچنین در فهم بسیاری از مسایل کلی و انتزاعی دارای مشکل هستند. با بررسی نکات و مسایل مطرح شده پیرامون نیازها و ویژگی های دانش آموزان ناشنوا، ضرورت توجه بیشتر به مساله درک مفهومی لغات در این گروه از دانش آموزان احساس می شود. بر این اساس با استفاده از یافته های علمی مربوط به آموزش دانش-آموزان ناشنوا و تجارب شغلی در این زمینه، یک روش آموزشی مبتنی بر فنون آموزش مستقیم، برای بهبود و تقویت درک مفهومی لغات در دانش آموزان ناشنوا طراحی و اجرا شد و اثرات آن بر درک مفهومی لغت و ماندگاری اثر آموزش مورد بررسی قرار گرفت.

روش

نمونه و روش نمونه گیری

افراد شرکت کننده در پژوهش حاضر ۲۴ نفر از دانش آموزان پسر ناشنوی سال اول و دوم راهنمایی شاغل به تحصیل در مجتمع شبانه روزی احیاء کرمان در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ بودند که به صورت نمونه در دسترس انتخاب شدند. دامنه سنی آزمودنی ها ۱۴ تا ۱۸ سال و درجه ناشنوایی آنها شدید تا عمیق بود. آنها به صورت تصادفی به دو گروه ۱۲ نفره آزمایش و کنترل تقسیم شدند.

روش آموزشی

روش آموزشی به صورت «آموزش مستقیم»^۷ توسط

(کاکاجویاری و همکاران، ۱۳۸۸). دانش آموزان ناشنوا فاقد درونی سازی کلمات بر اساس زبان شنیداری هستند، بنابراین خواندن و نوشتن که جزئی از فرایند اکتسابی زبان است برای آنها دشوار است و لازم است آهسته و تدریجی تر از دانش آموزان شنوا مهارت های خواندن، نوشتن و درک مفاهیم را آموزش ببینند.

نوشتار اغلب دانش آموزان ناشنوا شامل یک سری کلمات بهم ریخته است، که بدون نظم و توالی صحیح ارایه می شود. کودکان ناشنوا در تشخیص حروف مشکلی ندارند، ولی بیشتر در درک مطالب خوانده شده مشکل دارند. آنها در درک گفتار مشکل دارند و بیشتر روی اسامی و افعال تاکید دارند و معمولاً در درک حروف اضافه، ضمائر اشاره، حروف ربط و نظایر آن مشکل دارند و معمولاً دستور زبان شان ضعیف است. (نورتن و همکاران، ۲۰۰۲). با توجه به شدت ناشنوایی و میزان استعداد فرد، میزان درک مفهومی وی متفاوت است.

دانش آموزان ناشنوا بسیاری از لغت ها

را از طریق زبان اشاره بیان می کنند، اما در مکتوب کردن لغات بیان شده، مشکل دارند. مهارت اشاره کردن به معنای درک مفهوم آن نیست، بلکه درک مفاهیم لغات مستلزم آموزش مناسب می باشد

در یک پژوهش مک گووان^۵ و همکاران (۲۰۰۸) نشان دادند میانگین نمره های قدرت درک خواندن و سایر مهارت های زبانی در کودکان ناشنوا بسیار پایین تر از نمره های کودکان شنواست. همچنین پیتر^۶ و همکاران در سال ۲۰۰۹ در پژوهشی بیان نمودند میزان استفاده و درک لغت در کودکان ناشنوا از کودکان شنوای هم سن و سال آنها کمتر است و هرچه مهارت های زبان و

کتاب‌های درسی با آن مواجه بودند. اجرای روش در دو مرحله زیر بیشتر توضیح داده می‌شود.

مرحله آماده سازی: در اولین جلسه آموزشی ضمن برقراری ارتباط مناسب با تمامی دانش‌آموزان و فراهم نمودن جو صمیمی بین آنها، اهداف کلی آموزش بیان شد، روش‌هایی برای تقویت انگیزه دانش‌آموزان برای همکاری مستمر و مفید بررسی گردید، همچنین جایزه‌هایی برای کسانی که بتوانند به اهداف آموزشی دست پیدا کنند، تعیین شد. علاوه بر این با طرح برخی سوالات یک برآورد کلی از درک مفهومی دانش‌آموزان به دست آمد.

دانش‌آموزان ناشنوا
در فهم لغت‌هایی که با لهجه بیان می‌شوند و یا دو معنی متفاوت دارند، مشکل دارند، در حالی که عموماً دانش‌آموزان شنوا در کاربرد معانی مختلف مشکلی ندارند

ارایه برنامه: جلسه‌های دوم تا دهم را در بر می‌گرفت، در هر جلسه ۱۰ تا ۱۵ لغتی که از قبل انتخاب شده بود، بر اساس فنون آموزش مستقیم (که فهرست‌وار به آن اشاره شد)، از کلی‌ترین لغت تا جزئی‌ترین آن آموزش داده شد. لغات انتخاب شده در نه گروه کلمات تقسیم‌بندی شده بودند و در هر جلسه یک گروه لغات مرتبط ارایه گردید. روش کلی آموزش در این جلسات به این ترتیب بود که ابتدا یک لغت بر روی تابلو نوشته می‌شد، سپس از دانش‌آموزان خواسته می‌شد برداشتی که از مفهوم لغت دارند بیان کنند؛ پاسخ‌های نزدیک به مفهوم صحیح ثبت می‌شد و در ادامه مترادف صحیح لغت مورد نظر به همراه تصاویر مربوطه ارایه می‌شد و با استفاده از کلمات ساده‌تر و زبان اشاره پیرامون آن توضیح‌های لازم بیان می‌شد و ارتباط لغت جدید با

پژوهشگر در ۱۰ جلسه ۴۵ دقیقه‌ای ارایه شد. در روش آموزش مستقیم مربی با استفاده از راه‌های مختلف ارایه و نمایش دادن مطالب به آموزش می‌پردازد. فنون اصلی این آموزش عبارتند از:

- ۱- بیان هدف‌های آموزشی و آماده کردن دانش‌آموزان برای فراگیری مطالب جدید،
- ۲- استفاده از پیش‌سازمان دهنده، یعنی ابتدا یکسری مطالب کلی بیان شود و سپس به مسایل جزئی و فرعی آن پرداخته شود،
- ۳- ارایه مطالب در قالب بیان مقدمه، توضیح‌های لازم و نتیجه‌گیری،

- ۴- توضیح دادن و یا فهماندن مطالب به دانش‌آموزان،
- ۵- ایجاد شور و شوق برای یادگیری،
- ۶- پرسیدن سوال هنگام آموزش،
- ۷- تشویق دانش‌آموزان به یادداشت‌برداری (سیف، ۱۳۸۸).

با استفاده از کتاب «فرهنگ مصور دانش‌آموز استثنایی» تعدادی لغت به همراه تصاویر مربوطه انتخاب شد. در هر جلسه ۱۰ الی ۱۵ لغت مطرح می‌شد. به منظور پیوند موثر بین اندوخته‌های دانش‌آموزان لغت‌ها به صورت یک پیوستار ساده به مشکل ارایه شد، تا لغت جدید بتواند با لغت‌های فراگرفته شده قبلی مرتبط شود و یادگیری «معنی‌دار» بوجود آید و لغت قبلی پله‌ای باشد برای درک لغت بعدی، یعنی از کلی به جزئی رفتن. با یک بررسی کلی مشخص شد استفاده از لغت‌هایی که دانش‌آموز به صورت مداوم با آن سر و کار دارد و حتی از طریق اشاره بیان می‌کند ولی از درک نوشتاری آن عاجز است، یک شروع مناسب است؛ چون دانش‌آموزان علاقه بیشتری نشان می‌دهند و آن را به کار می‌برند و پایداری ذهنی بیشتری خواهد داشت. به همین لحاظ بیشتر لغت‌هایی انتخاب شد که دانش‌آموزان در

لغات ساده تری که قبلا آن را فرا گرفته بودند و در گنجینه لغات آن‌ها وجود داشت، از طریق طرح کلمه‌های مترادف، متضاد و یا زیر مجموعه هم، با استفاده از تصاویر مربوط، شکل و نمودار توضیح داده می‌شد. به منظور اثر بخشی بهتر آموزش و امکان مرور، از دانش‌آموزان خواسته شده بود لغت‌های مورد نظر و مترادف‌های آنها را در دفترچه خود یادداشت کنند. پس از بیان چند لغت، به منظور یادآوری و تکرار و نیز تقویت توجه دانش‌آموزان، از برخی آنها معنی و مفهوم لغت پرسیده می‌شد و دانش‌آموزان تقویت می‌شدند.

جلوی آن بنویسد. لغات پرسشنامه، از میان کلمات رایج کتاب‌های درسی دانش‌آموزان انتخاب گردید. روایی صوری سوالات توسط دو دبیر مجرب ادبیات فارسی تایید شد. به منظور همسان سازی سه پرسشنامه، روی ۵۰ نفر از دانش‌آموزان ناشنوا اجرا شد. همسانی درونی بین سوالات با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به دست آمد که نشان می‌دهد آزمون از ثبات درونی بالایی برخوردار می‌باشد و مقایسه میانگین نمرات سه پرسشنامه از طریق تحلیل واریانس نشان داد که از لحاظ آماری تفاوت معنی داری بین میانگین نمرات سه پرسشنامه وجود ندارد.

یافته‌ها

ابزار

نتایج داده‌های توصیفی دو گروه آزمایش و کنترل در پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری در جدول ۱ آورده شده است.

ابراز پژوهش سه پرسشنامه درک مفهوم لغت محقق ساخته بود. هر پرسشنامه شامل ۱۰ لغت بود که آزمودنی باید مترادف و یا درکی که از لغت برداشت می‌کند

جدول ۱- داده‌های توصیفی مربوط به پیش‌آزمون و پس‌آزمون و آزمون پیگیری دو گروه

گروه	پیش‌آزمون			پس‌آزمون			پیگیری		
	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
آزمایش	۱۲	۴/۱۶	۱/۳۳	۱۲	۱۴/۶۶	۲/۱۴	۱۲	۱۲/۸۳	۲/۱۶
کنترل	۱۲	۳/۵	۱/۵	۱۲	۴	۱/۴۷	۱۲	۴/۱۶	۱/۳۳

خلاصه نتایج تحلیل واریانس نمره‌های درک مفهومی لغات دو گروه در جدول ۲ و ۳ آورده شده است.

جدول ۲ - خلاصه تجزیه و تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر

منبع تغییر	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	F	سطح معنی داری
بین آزمودنی‌ها	۸۰۰	۱	۸۰۰	۱۲۳/۲	۰/۰۰
درون آزمودنی‌ها	۲۶۱/۳۳	۱	۲۶۱/۳۳	۹۰/۵۱	۰/۰۰
خطا	۴۶/۶۶	۲۲	۲/۱۲		

جدول ۳ - مقایسه میانگین پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری دو گروه آزمایش و کنترل

متغیر	میانگین تفاوت ها	انحراف استاندارد	معنی داری
پیش آزمون گروه آزمایش و کنترل	۸/۶۶۷	۰/۷۳۵	۰/۲۶۴
پس آزمون گروه آزمایش و کنترل	۱۰/۶۶۷	۰/۷۵۲	۰/۰۰
پیگیری گروه آزمایش و کنترل	۸/۶۶۷	۰/۷۳۵	۰/۰۰

آموزشی و اهمیت و ضرورت آنچه را که انتظار دارند و می‌خواهند یاد بگیرند، به طور واضح، توضیح داده شود.

به طور کلی یکی از روش‌های موثر در افزایش خزانه لغت و درک مفهومی برای دانش‌آموزان ناشنوا بکارگیری «آموزش مستقیم» است (روتبرک^۱، ۲۰۰۱). آموزش مستقیم درک لغات، باعث می‌شود دانش‌آموزان با واژه‌های جدیدی آشنا شوند و ارتباط مناسبی بین لغاتی که دانش‌آموزان یاد گرفته‌اند، ایجاد شود و خزانه لغات آنها تقویت شود. بدیهی است دانش‌آموزان ناشنوایی که لغت‌های بیشتری را یاد دارند و استفاده می‌کنند، بهتر می‌توانند با محیط اطراف خود ارتباط برقرار کنند و درک صحیح‌تری از معنی و مفهوم جمله‌های گفتاری و نوشتاری دیگران دارند.

یافته‌ها نشان دادند برنامه آموزشی توانسته است درک مفهومی لغت را در دانش‌آموزان ناشنوا افزایش دهد. همچنین نتایج پیگیری نشان داد دانش‌آموزان پس از یک دوره زمانی نیز می‌توانند مفهوم بسیاری از لغت‌های فراگرفته شده را به یاد بیاورند. یک ضرورت غیرقابل انکار در آموزش دانش‌آموزان ناشنوا، تدوین برنامه‌ای همه‌جانبه است که در تمامی دروس معلم قبل از شروع آموزش، مفهوم لغت‌های کلیدی هر درس را با مشارکت فعال دانش‌آموزان، توضیح و تبیین نماید. بدیهی است دانش‌آموزانی که درک صحیحی از لغت‌های

تحلیل آماری داده‌ها نشان می‌دهد میانگین نمرات دو گروه در پیش‌آزمون تفاوت معنی‌داری با هم ندارند؛ اما تفاوت میانگین نمرات در پیش‌آزمون - پس‌آزمون و پیگیری گروه آزمایشی از لحاظ آماری معنی‌دار است؛ به‌علاوه تفاوت میانگین نمرات پس‌آزمون و پیگیری گروه آزمایشی و پس‌آزمون و پیگیری گروه کنترل معنی‌دار است. همچنین بین میانگین نمرات گروه کنترل در پیش‌آزمون - پس‌آزمون و پیگیری تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش‌های متعددی اثربخشی و سودمندی آموزش روش مستقیم بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه را تأیید کرده‌اند. هامفریس^۸ و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهشی بر روی دانش‌آموزان مصروع دارای مشکلات یادگیری، نشان دادند آموزش مستقیم عملکرد همه‌جانبه تحصیلی را به طور معنی‌دار افزایش داده است. در پژوهش دیگری مرینگ^۹ در سال ۲۰۱۰ ضمن بیان اثربخشی روش آموزش مستقیم بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه، اعلام می‌کند بازده یادگیری در روش آموزش مستقیم زمانی چشمگیرتر می‌شود که مهارت‌ها و نکته‌های آموزشی به خوبی تعریف و مشخص شوند و در گام‌های دقیق و گام به گام آموزش داده شوند و به دانش‌آموزان اهداف

پیشنهادها

- ✓ مریبان دانش آموزان ناشنوا با فنون آموزش مستقیم و تبیین اهمیت این روش آموزشی برای بهبود درک مفهومی لغات دانش آموزان ناشنوا آشنا شوند.
- ✓ محیط غنی نوشتاری و مواجهه با کلمات و تصاویر را برای دانش آموزان ناشنوا فراهم شود.
- ✓ محیط کلاس طوری اداره شود که دانش آموزان را برانگیزد لغت و کلماتی که معنای آن را نمی دانند، یادداشت کنند و بپرسند.
- ✓ دانش آموزان تشویق شوند نام خود و دوستانشان را به صورت نوشتاری یاد بگیرند و استفاده نمایند.
- ✓ در تدوین کتب درسی ویژه دانش آموزان ناشنوا بر روش های افزایش دامنه لغت پایدار توجه بیشتری شود.
- ✓ دانش آموزان ناشنوا تشویق شوند تا هر روز مفهوم یک لغت جدید را یاد بگیرند و در دفتر خود یادداشت نمایند و خودشان واژه نامه شخصی داشته باشند.
- ✓ دسترسی دانش آموزان ناشنوا به کتاب های مصور به منظور آشنایی با لغت های جدید و تصاویر مربوطه را تسهیل شود.
- ✓ اثر بخشی سایر روش های آموزشی بر درک مفهوم لغات دانش آموزان ناشنوا بررسی شود.

کلیدی یک درس کسب کرده اند، مفهوم کلی درس را بهتر می توانند درک کنند. برای بهبود درک مفهومی لغت در دانش آموزان ناشنوا باید از یک نقطه شروع کرد و روش های مفید تشریح و در اختیار دبیران مربوطه قرار گیرد. در مکان های آموزشی لازم است فرصت هایی فراهم شود تا دانش آموز لغت هایی را که فرا گرفته «بیان»، «تکرار» و «استفاده» کند. رمز ماندگاری و تقویت دامنه لغت در دانش آموزان ناشنوا همین سه مورد ذکر شده است (گلدین میداو و همکاران، ۲۰۰۱).

بدیهی است
دانش آموزانی که درک صحیحی
از لغت های کلیدی یک درس کسب کرده اند،
مفهوم کلی درس را بهتر می توانند درک کنند.

همچنین تدوین یک ماده درسی متناسب با نیازهای این گروه از دانش آموزان ضروری به نظر می رسد؛ اضافه شدن یک واحد درسی «درک مفاهیم» که متناسب با سن دانش آموزان طراحی شده باشد می تواند درک مفهومی لغت دانش آموزان ناشنوا را تقویت کند و به عنوان یک ماده درسی مفید و کاربردی قلمداد گردد.

زیر نویس ها :

1. O,connor,R
2. Goldin-Meadow, S
3. Northen, JL
4. literacy
5. McGowan, RS
6. Peters, K
7. direct instruction
8. Humphries,T
9. Mehring,T
10. Rottenberg, CJ

منابع :

- سیف، علی اکبر. (۱۳۸۸). روان‌شناسی پرورشی نوین، روان‌شناسی یادگیری و آموزش، ویراست نو. تهران: دوران
- غلامپور دلاور، محمد علی. (۱۳۸۷). فرهنگ مصور دانش آموز؛ (چاپ چهارم). تهران: رسانش.
- کاکوجویاری، علی اصغر؛ سرمدی، محمدرضا؛ و شریفی، اعظم. (۱۳۸۸). مقایسه سواد خواندن در دانش آموزان آسیب دیده شنوایی و دانش آموزان با شنوایی هنجار. مجله شنوایی شناسی دانشگاه علوم پزشکی تهران. ۱۹ (۱)؛ ۳۰-۲۳

- Goldin-Meadow, S; & Mayberry, R.I. (2001). How do profoundly deaf children learn to read? *Learn Disability Research and Practice*. 16(4), 222-229.
- Humphries, T; Neufeld, M; Johnson, C; Engels, K; & McKay, R. (2005). A pilot study of the effect of Direct Instruction programming on the academic performance of students with intractable epilepsy. *Epilepsy & Behavior*. 6(3), 405-412.
- McGowan, R.S; Nittrouer, S; & Chenausky, K. (2008). Speech production in 12-month-old children with and without hearing loss. *J Speech Lang Hear Res*. 51(4), 879-888.
- Mehring, T. (2010). Direct Instruction and the Education of Children with Special Needs. *International Encyclopedia of Education*. 3(1), 584-587.
- Northern, J.L; & Downs, M.P. (2002). *Hearing in children*. 5th ed. Baltimore: Williams and Wilkins.
- O,connor, R; notari-syverson, A; & vadasy, P. (1996). Ladders to literacy: the effect of teacher-led phonological activities for kindergarten children with and without disabilities. *Exceptional children*. 63(1), 117-130.
- Peters, K; Rimmel, E; & Richards, D. (2009). Language, mental state vocabulary, and false belief understanding in children with cochlear implants. *Language, Speech and Hearing Services in Schools*. 40(3), 245-255.
- Rottenberg, C.J. (2001). A deaf child learns to read. *American Annals of the Deaf*. 146(3), 270-5.